

■ چرا تحریم‌های تسلیحاتی مهم بود؟

نخستین بار موضوع تحریم تسلیحاتی ایران به واسطه اختلاف ایران و جامعه بین‌الملل بر سر برنامه‌های هسته‌ای مطرح شد. تا قبل از دستیابی به توافق هسته‌ای چندین قطعنامه تحریمی ذیل ماده ۴۱ منشور ملل متحد علیه ایران به تصویب رسید که یکی از مفاد مشترک این قطعنامه‌ها، بحث تحریم تسلیحاتی بود. قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت (۹ مرداد ۱۳۸۵)، قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت (۲ دی ۱۳۸۵)، قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت (۴ فروردین ۱۳۸۶)، قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت (۱۳ اسفند ۱۳۸۶)، قطعنامه ۱۸۳۵ شورای امنیت (۶ مهر ۱۳۸۷) و قطعنامه ۱۸۸۷ شورای امنیت (۲ مهر ۱۳۸۸) از جمله قطعنامه‌هایی بود که پس از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت به تصویب رسید و ذیل محدودیت‌های مربوط به فعالیت هسته‌ای ایران، خدمات مرتبط با عرضه، فروش، انتقال، ساخت، یا استفاده از اقلام مربوط به تسلیحات نظامی و موشکی ایران را هم با ممنوعیت روبه‌رو کرد. اما نقطه اوج این محدودیت‌ها و فشار علیه ایران قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت (۱۹ خرداد

۵+۱ به برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت (۲۹ تیر ۱۳۹۴) هم در تأیید این توافق به تصویب همه اعضای شورای امنیت رسید و این قطعنامه تمام کشورها را به اجرای برجام ملزم کرد و همه قطعنامه‌های پیشین که تحریم‌های گسترده‌ای را علیه برنامه هسته‌ای و مناسبات مالی، بانکی و ارتباطی ایران ایجاد کرده بود، مشروط بر پایبندی ایران به مفاد برجام لغو نمود. این در حالی بود که بند مهمی از این قطعنامه به تعیین موعدی ۵ ساله برای لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران اختصاص یافت. طبق بند پنجم پیوست دوم قطعنامه ۲۲۳۱ قرار شد طی مدت ۵ سال از زمان پذیرش برجام محدودیت‌های درج شده در این بند از جمله محدودیت تجهیزات، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه تجهیزات نظامی شامل تانک، خودروهای زرهی، سیستم‌های توپخانه، هواپیمای جنگی، بالگردهای تهاجمی، ناو، موشک‌ها یا سیستم‌های موشکی و همچنین انتقال هرگونه آموزش فنی، خدمات و منابع مالی، مشاوره یا سایر خدمات یا کمک‌های مربوط به تجهیز، فروش، انتقال، ساخت، نگهداری یا استفاده از چنین اقلام و مواد مرتبط با آنها، از طریق اتباعشان یا از مبداء مسیر

این شکست در حالی حاصل شد که واشنگتن پیش از برجام در بهره‌گیری از ابزارهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استفاده هدفمند از آنها علیه ایران موفقیت‌های پرشماری را به دست آورده بود اما این واقعیت برجام و سیاست هوشمندانه ایران در مواجهه با کمپین فشار حداکثری امریکا بود که باعث شکست ترامپ در جلسه اخیر شورای امنیت شد

۱۳۸۹) بود که به موجب آن تحریم‌های تسلیحاتی ایران به شدیدترین مرحله خود رسید. شورای امنیت به موجب بند ۸ این قطعنامه همه کشورها را ملزم کرد تا «از تدارک، فروش یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه تانک رزمی، خودروهای زره‌پوش نبرد، دستگاه‌های توپخانه با کالیبر بالا، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای ویژه حمله، کشتی‌های جنگی، موشک یا سامانه‌های موشکی» یا مواد مربوط به آنها مشتمل بر قطعات یدکی، به هر طریق، جلوگیری کنند. همچنین همه کشورها بایستی از ارائه آموزش فنی، خدمات مربوط به منابع مالی، مشاوره یا خدمات یا هرگونه کمک در ارتباط با تحویل، فروش، انتقال، تدارک، ساخت، نگهداری یا کاربرد اینگونه تسلیحات یا وسایل مربوط به آنها به ایران جلوگیری کنند. بند ۹ همین قطعنامه هم مقرر می‌کرد که ایران نباید هیچ‌گونه فعالیتی در ارتباط با موشک‌های بالستیک قادر به حمل و انتقال سلاح‌های هسته‌ای، مشتمل بر فناوری پرتاب موشک‌های بالستیک داشته باشد و همه کشورها باید از انتقال فناوری یا کمک فنی در رابطه با چنین فعالیت‌هایی به ایران خودداری کنند. به دنبال پایان اختلاف هسته‌ای و دستیابی ایران و

یعنی ۱۹۲۹ در مورد برنامه موشکی ایران عنوان شده بود که «شورای امنیت سازمان ملل تصمیم می‌گیرد که ایران نباید» فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک داشته باشد و این لحن در قطعنامه ۲۲۳۱ تغییر فاحشی کرده است. در این میان جلسه آذر ۹۷ بر جسته تر از بقیه جلسات تا قبل از جلسه آخر در ۲۴ مرداد ماه سال جاری بود چرا که خود دونالد ترامپ ریاست جلسه شورای امنیت را عهده دار بود و جلسه هم در حاشیه نشست عمومی سازمان ملل در نیویورک برگزار شد. با این حال آن جلسه شورای امنیت در حضور ترامپ هم آورده‌ای برای او نداشت و جلسه تبدیل به صحنه دفاع بین‌المللی از برجام تبدیل شد.

■ ضربه آخر

به دنبال حاصل شدن چنین موفقیتی برای رفع محدودیت‌های نظامی بیش از یک دهه‌ای ایران که در چارچوب برجام ممکن شد، امریکا تلاش خود را برای به بن‌بست کشاندن آن آغاز کرد که در نهایت با شکست سنگینی در جلسه ۲۴ مرداد شورای امنیت روبه‌رو شد؛ یعنی نشستی که احتمال می‌رفت به جلسه فضا سازی علیه ایران تبدیل شود و با تصویب قطعنامه تمدید تحریم‌ها میخ تابوتی بر برجام بزند، در نهایت به نشست دفاع از توافق و محکومیت امریکا به دلیل سوء استفاده از این نهاد بین‌المللی منجر شد. قطعنامه پیشنهادی امریکا با ۱۱ رأی ممتنع، ۲ رأی موافق و ۲ رأی مخالف به تصویب نرسید و تنها امریکا و «جمهوری دومینیک» بودند که به این قطعنامه رأی مثبت دادند. اگرچه دست ردا اعضای شورای امنیت بر این قطعنامه و در مقابل تهدید این کشور به اتخاذ تدابیر دیگری همچون رجوع به مکانیسم ماشه می‌تواند آغاز کننده چالش دیگری در پیش روی برجام باشد اما به نظر می‌رسد که ناکامی اخیر امریکا ذهنیتی را که سال‌ها این امکان را به آن داده بود که ایران را طعمه منافع سیاسی و اقتصادی خویش قرار دهد، از میان برده است.

این شکست در حالی حاصل شد که واشنگتن پیش از برجام در بهره‌گیری از ابزارهای بین‌المللی از جمله شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و استفاده هدفمند از آنها علیه ایران موفقیت‌های پرشماری را به دست آورده بود چنان که بسیاری از این نهادها فارغ از دستورالعمل‌های حقوقی و قانونی با امریکا همصدا شده و زمینه را برای اعمال تحریم‌های بی سابقه علیه ایران فراهم کرده بودند. چه مداخله غیرقانونی شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران باعث تغییر ماهیت آن از یک موضوع فنی به یک مسأله سیاسی شد و در نهایت بحرانی امنیتی برای ایران رقم زد. بحرانی که در نهایت موج سنگینی از محدودیت‌های هسته‌ای الزام آور و تصاعدی به حوزه‌های اقتصادی، مالی و انرژی، نظامی و تسلیحاتی آن تحمیل کرد.

اما این واقعیت برجام و سیاست هوشمندانه ایران در مواجهه با کمپین فشار حداکثری امریکا بود که باعث محرومیت این کشور از اهرم‌های مؤثرش شد و این گزاره را ثابت کرد که در جهان روابط بین‌المللی می‌توان مستقلا و با حفظ فاصله و با بهره‌مندی از یک سیاست مدبرانه در مسیر تأمین منافع ملی گام برداشت.